

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۷ شوال ۱۴۴۳ • ۹ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۷۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۷
مادر (رقبه چهره‌آزاد): می‌مونه یه حولا، هدیه صاحبان عزا به اهل قبور. این تنها شیرینی ضیافت مرگ، عطر و طعمش دعاست. روغن خویم تو خونه داریم، زعفرونم هست، اما چربی و شیرینی ملاک نیست، این حرمتیه که زنده‌ها به مرده‌هاشون می‌ذارن. اجرشم نزول صلوات و حمد و قل‌هو‌الله‌ست.

سرتق

دیالوگ روز

مادر-علی حاتم‌ی ۱۳۴۸

مادر (رقبه چهره‌آزاد): سر شام گریه نکنین، غذا رو به مردم زهر نکنین. سماور بزرگ و استکان نعلیکی هم به قدر کفایت داریم، راه نیتقین دوره در و همسایه بی‌ظرف و ظروف. آب‌روداری کنین بچه‌ها، نه با اسراف. سفره از صفای میزبان خرم می‌شه نه از مرصع‌بلو. حرمت زینت مادرتون رو حفظ کنین. محمد ابراهیم، گوشت فیمه را| خیلی ریزش نکن مادر، اون وقت می‌کن خورششتون فقط لبه داره و بیاز داغ.

محمد ابراهیم (معدملعی کشاورز): لغز بخونن طعنه رو بیهنه می‌کنم می‌گویم تو ملاحظون. دکی اینو.

مادر (رقبه چهره‌آزاد): می‌مونه یه حولا، هدیه صاحبان عزا به اهل قبور. این تنها شیرینی ضیافت مرگ، عطر و طعمش دعاست. روغن خویم تو خونه داریم، زعفرونم هست، اما چربی و شیرینی ملاک نیست، این حرمتیه که زنده‌ها به مرده‌هاشون می‌ذارن. اجرشم نزول صلوات و حمد و قل‌هو‌الله‌ست.

پزشکان، تعرفه و سلامت جامعه

دزنگ

از حیوان آزارها بترسید



زهرا مشتاق

فیلم‌های زیادی از آزار حیوانات و صدمه‌رساندن به درختان و محیط زیست در شبکه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود. اسیدخوراندن یا پاشیدن آن روی سگ‌ها، شوت‌کردن گربه‌ها مثل توپ فوتبال، کتک‌زدن جاری‌بان، قطع‌کردن یا زنده زنده سوزاندن درختان. لطفاً صرفاً به این دلیل که دل دیدن چنین صحنه‌هایی را ندارید، از این تصاویر عبور نکنید. چون همه فیلم‌هایی که دیده یا ندیده‌اید یک هشدار جدی درباره خشونت رو به افزایش در اجتماعی است که مردمش به هر دلیل تحت فشارهای شدیدی از اقتصادی تا اجتماعی و رفاهی هستند و در عمل، نبود آموزش و آگاهی موجب پدیدآمدن چنین تصاویر تلخی می‌شود.

وقتی فردی می‌تواند گریه‌ای را دار بزند و از دست‌وپاژدن او به آسانی فیلم بگیرد، یا به بهانه غذادادن اعتماد یک سگ را جلب کند و غذای آلوده به سم به او بدهد و کف‌کردن دهان و مرگ دردناکش را با خنده و شوخی توضیح دهد و تماشا کند؛ یقین بدانید این فرد از دو حالت خارج نیست. یا بیمار روانی است و یا در خانواده‌اش به جای مهربانی و درک ارزش و جایگاه دیگر گونه‌های زیستی، تنها خودخواهی و خشونت آموخته است. در هر دو صورت باید از چنین کسی ترسید. چون او می‌تواند همان بلاهای ترسناک را به سر انسان‌ها نیز بیاورد.

می‌شود از حیوانی ترسید. اما این ترس نباید موجب صدمه به آن حیوان شود. وقتی پدر یا مادری به سمت یک حیوان سنگ پرتاب می‌کنند، لگد می‌زنند و یا هر آزاری را بر جاننداری دیگر روا می‌دارند، کودکان نیز چنین عملی را به مثابه یک رفتار درست و مرسوم تلقی می‌کنند. دوری از حیوانات و استفاده از اسامی آنها به جای انواع فحش‌ها و ناسازها پایمال‌کردن حقوق حیواناتی است که خالق آنها نیز، همانی است که ما را خلق کرده. قدر مسلم مفهوم اشرف مخلوقات بودن، معنایش مجوز آزار و صدمه به دیگر موجودات هستی از گیاهان تا حیوانات نیست. اشرف مخلوقات بودن وقتی دارای اهمیت و درستی کلام می‌شود که به اندازه بزرگی این مفهوم، بزرگ، انسانی و اخلاقی رفتار کنیم.

مهربانی با طبیعت و حیوانات سانتی‌مانالیزم نیست. لوس‌بازی و خود را خوب جلوه‌دادن نیست. بلکه برعکس یکی از شاخصه‌های توسعه و رشد مردم و فرهنگ آن کشور است و امکان این فرایند در بستر خانواده، جامعه و آموزش پدید می‌آید. چرا بچه‌ها از آموزش صرف و بکن‌نکن‌های تکراری گریزانند، اما اگر همین آموزش در بستر طبیعت جاری شود، تأثیری عمیق و پایدار بر آنها دارد؟ چرا اردوهای مدرسه و سفرهای دسته‌جمعی این اندازه مورد علاقه دانش‌آموزان است و تبدیل به خاطراتی ماندگار می‌شود؟ چون ذات و فطرت آدمی به طبیعت گره خورده است. ولی وقتی برای مثال در یک حرکت جمعی در روز طبیعت یا همان سیزده‌بدر، بی‌بی‌رحمی تمام حیواناتی را فقط برای دل خوشی بچه‌هایمان از محیط طبیعی‌شان جدا می‌کنیم و به خانه‌های خود می‌آوریم؛ یعنی خودخواهی را در حق طبیعت تمام می‌کنیم. لاک‌پشت و قورباغه و ماهی و سمندر و پرند. آیا لحظه‌ای فکر کرده‌ایم که آنجا خانه آنهاست. خانواده‌ای دارند و حیوانی را که از محیط زندگی‌اش جدا می‌کنیم، موجب چه لطمه‌ای به بقیه آن خانواده می‌شود؟ یا شاید فکر می‌کنید خنده‌دار است که حیوانات هم، خانواده و چشم‌به‌راه داشته باشند؟ یا به حال چند بار شده که چون بچه‌مان پایش را به زمین کوبیده و دلش می‌خواست آن حیوان مال خودش باشد، نوزادان چندروزه گریه و سک و خرگوش را از آغوش مادرشان جدا کرده‌ایم و چند ماه بعد که حسابی حیوان را به خود وایسته کرده‌ایم و دیگر توانی برای نگهداری نداشته‌ایم؛ از حیوان را که دیگر مهارتی برای مراقبت از خود ندارد، در غیرمسئولانه‌ترین شکل ممکن در کوچه و خیابان رها کرده‌ایم؟ چگونه ممکن است سال‌های طولانی پرندگان را در قفس نگه داشت و آنها را از حق طبیعی و زندگی‌شان که باید همراه با پرواز باشد، محروم کرد؟ آیا از صدای پرندگان در قفس لذت می‌برید و آن را آواز تلقی می‌کنید؟ آیا پرندگان را دور از هم و در قفس‌های جداگانه و کوچک قرار می‌دهید تا حسابی برایشان چهچهه بزنند؟ آیا حاضردی فقط ۴۸ ساعت خودتان را در جایی حبس کنید؟ چرا خودتان را گول می‌زنید و می‌گویید آنها به قفس عادت کرده‌اند. بیرون از قفس می‌میرند. چه کسی این را گفته؟ شما هستید که آنها را گرفتار قفس کرده‌اید. شما هستید که این پرنده‌ها را در قفس وادار به زاد و ولد می‌کنید تا پرندگانی دستی و مطیع داشته باشید. در بازار، مغازه‌های خیابان، خانه‌ها و ده‌ها جای دیگر پرندگان تمام عمر خود را در قفس می‌گذرانند و گویا برای همه عادی شده است؛ پرندگان در قفس.

ما در بسیاری از رفتارهای خود دچار افراط یا تقریظ هستیم. ما حیوانات را نه به خاطر خودشان، بلکه به خاطر خودمان دوست می‌داریم. حیواناتی که بیشتر تبدیل به اسباب‌بازی ما می‌شوند. موهاپیشان را رنگ می‌کنیم، به آنها لباس می‌پوشانیم یا به فنج‌ترین شکل ممکن آنها را نابود می‌کنیم. حیوانات اسباب‌بازی ما نیستند. حتی اگر آنها را خیلی دوست داشته باشیم و بهترین شرایط را برای آنها فراهم بیاوریم؛ تردید نکنید که آنها در محیط طبیعی خود و در کنار هم‌نوعان خود خیلی خیلی خوشحال‌ترند. رفتار درست آن است که بستری فراهم شود که ما در محیط‌های طبیعی به ملاقات با حیوانات برویم و با آنها دوستی و معاشرت داشته باشیم و بعد هر کدام به خانه‌های خود برگردیم. اگر می‌خواهیم این حجم از خشونت نسبت به حیوانات کاسته و کنترل شود، هیچ راهی وجود ندارد مگر تعریف و بازنگری در روابط ما انسان‌ها با طبیعت و حیوانات. شاید اولین قدم مهم آن باشد که نام حیوانات را از دایره فحش‌های خود حذف کنیم.

روشنی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •

نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹

تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز

تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۷ شوال ۱۴۴۳ • ۹ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۷۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۷

مادر (رقبه چهره‌آزاد): می‌مونه یه حولا، هدیه صاحبان عزا به اهل قبور. این تنها شیرینی ضیافت مرگ، عطر و طعمش دعاست. روغن خویم تو خونه داریم، زعفرونم هست، اما چربی و شیرینی ملاک نیست، این حرمتیه که زنده‌ها به مرده‌هاشون می‌ذارن. اجرشم نزول صلوات و حمد و قل‌هو‌الله‌ست.



• مراسم دوهزارساله بیل‌گردانی در شهر تاریخی نیمور از توابع محلات نماد تشکر از اله آب است و به اعتقاد مردم منطقه این مراسم باعث برکت و فراوانی آب در فصل بهار می‌شود. عکس: مهران ساکی، برنا

از میان پزشکان، به‌خصوص پزشکان جوان گاه شنیده

می‌شود. به‌این‌ترتیب ممکن است برای یک ناظر بیرونی این سؤال پیش بیاید که اگر همه این حرف‌ها درست است، پس چرا پزشکان ایران تجمع نمی‌کنند؟ چون:

- در کشور ما قانونی برای این منظور وجود ندارد؛ یعنی قانون، حق خلبان برای پروازنکردن را در این زمینه

به رسمیت نمی‌شناسد. اعتصاب فعالیتی غیرقانونی است که تجربه‌ای هم در آن وجود ندارد و وقتی رخ داد، ممکن است همگانی شده، واکنش جامعه و حکومت را باعث شود و مهم‌تر از همه سلامت مردم را به خطر بیندازد.

- نبود سازوکار مناسب برای ارزیابی کیفیت و نتایج کارهای پزشکی (که خود حاصل نبود منابع مالی کافی است) باعث شده کاهش تعرفه تنها کیفیت خدمات را پایین بیاورد، نه لزوماً درآمد بسیاری از پزشکان را! و مهم‌تر از آن باعث شده مسئولان اطلاع پیدا نکنند که با اصرار بر تقلیل تعرفه‌ها چه به روز کیفیت کار پزشکی آورده‌اند. برای حفظ درآمد تنها کافی است پزشکان وسواس رعایت اصول را کنار بگذارند و این چیزی است که سیاست‌های رسمی القا می‌کنند. بی‌توجهی به اصول، به درجات مختلف رایج شده، به شکل عرف درآمده، درآمد پزشکان



بابک زمانی

نورولوژیست

وقتی شرایط برای ادامه یک حرفه غیرممکن می‌شود، فکر تجمع پیش می‌آید و وقتی این حرفه به کیفیت سلامت مردم ارتباط پیدا کند، امتناع از انجام آن یک وظیفه اخلاقی هم به شمار می‌رود. مثل زمانی که یک خلبان از پرواز با یک هواپیمای معیوب سسر باز می‌زند. در بسیاری موارد ممکن است خلبان بتواند با تلاش بسیار با به پرواز درآوردن و نشاندن سالم یک هواپیمای معیوب منافع خود و سفر سرنشینان را تأمین کند؛ اما آشکار است که رفتاری غیراخلاقی است. در همه جای دنیا پزشکان طبق قوانین و در چارچوب خاصی که تنها برخی کارهای پزشکی را شامل می‌شود و اورژانس‌ها به خطر نمی‌افتند، حق اعتصاب دارند. دولت‌ها به‌عنوان ناظر مبادله سلامت در جامعه (و نه‌فقط تأمین‌کننده آن) از این حق دفاع می‌کنند تا اطمینان از کیفیت سلامت حاصل شود، به‌تازگی زرمزه‌های تجمع

با همکاری با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و مقامات محلی

و شرکای خود، شبکه مراکز حمایت از پناهندگان در مسیرهای مهاجرت را راه‌اندازی کرد که در آن مادران و کودکانی که از جنگ در اوکراین فرار می‌کنند، می‌توانند استراحت کنند و مکانی امن برای بازی و وسایل بهداشتی دریافت کنند. جنیفر بوتنک، داروساز ارشد، هنوز کودکش شیرخواره بود که درگیر همه‌گیری کرونا شد. او برای خانواده‌اش نگران بود، زیرا مجبور بود تا هر روز به سر کار برود؛ اما تصمیم دردناکی گرفت و به فرزندانش گفت که وقتی از سر کار به خانه می‌آید، او را در آغوش بگیرند. این روند تا وقتی که واکسن کرونا به این کشور رسید، ادامه داشت. فاطمه عبدلای در منطقه بوردوبو در کمپ پناهندگان اتیوپی متولد شد، مادرش هنوز ضعیف بود و از سردرد و سرگیجه رنج می‌برد. او به نوزادش شیر می‌دهد؛ اما دختر کوچک هنوز نتوانسته خوب غذا بخورد. او یکی از نوزادانی است که در شرایط خشکسالی شدید در سراسر شاخ آفریقا به دنیا آمده است. تعداد کودکانی که با عوارضی ازجمله سوءتغذیه حاد و تشنگی مواجه هستند، از ۷،۲۵ میلیون به حداقل ۱۰ میلیون افزایش پیدا کرده است. بیش از ۱۰۷ میلیون کودک در اتیوپی، کنیا و سومالی به درمان فوری برای سوءتغذیه حاد نیاز دارند. در ونزوئلا ماریانی دختر هفت‌ماهه خود را به کشتی بیمارستانی تحت حمایت یونیسف آورده بود تا واکسینه شود. قیلت‌زادان بومی مجبور بودند پنج تا هفت روز با فرزندان خود با قایق سفر کنند تا به نزدیک‌ترین مرکز بهداشتی-درمانی برسند.

زیر آسمان شهر

مریان مهر، پیشگامان پویایی

سازمان مردم‌نهاد تعالی، پروژه «مریان مهر، پیشگامان پویایی» را برگزار می‌کند. پروژه «مریان مهر، پیشگامان پویایی» گامی است در جهت آموزش سلامت روان مریبان در مناطق کم‌برخوردار استان تهران که به صورت کارگاه‌های مختلف روان‌شناسی و مهارت‌های زندگی در فضایی پویا، با حضور متخصصان و صاحب‌نظران برگزار می‌شود. هدف از برگزاری مریبان مهر، تمرکز مریبان بر کیفیت ارتباط با خود و ایجاد حس

شادی و ارزشمندی در فضایی با مهر است. به گزارش روابط عمومی مؤسسه تعالی، این برنامه در دو مرحله و با حضور بیش از صد نفر از مریبان مناطق کم‌برخوردار استان تهران برگزار می‌شود. اولین مرحله دوره حضوری مریبان مهر به همت بیش از ۳۰ داوطلب مؤسسه در ۲۲ و ۱۳ اردیبهشت و دومین مرحله از آن ۲۰ خرداد ۱۴۰۱ خواهد بود. تعالی، به کوشش تعدادی از جوانان داوطلب و با مجوز وزارت کشور از سال ۱۳۸۶ با هدف کمک به سلامت روان و بهبود ارتباطات مؤثر افراد با خود و محیط اطرافشان ایجاد شده است.

باسابقه و کار را برای جوانان دشوارتر می‌کند.

- تنها تجربه اعتصاب پزشکان که در سال ۱۳۶۵ به شکلی همگانی و بسیار ناشیانه، البته با صداقت فراوان به انجام رسید و به واکنش شدید منجر شد، چنان تجارب تلخی بر جای گذاشت که کلمه اعتصاب چونان یک تابو تا ده‌ها سال و تا همین امروز حتی، بر زبان هم آورده نمی‌شود.

- فقر سیاسی که یکی از خصوصیات ملی ماست، شامل پزشکان هم هست. درحال حاضر پزشکان نه‌تنها قادر به تجمع به شکل مدرن و علمی نیستند؛ بلکه توانایی هیچ‌گونه کنش اجتماعی هماهنگ با یکدیگر و توافق عملی روی برخی حداقل‌ها را هم ندارند (تجربه عدم مقابله با نسخه الکترونیک که با راه‌حل‌های کاملاً قانونی امکان‌پذیر بود، این نکته را به‌روشنی نشان داد). البته در گفتار و در ادبیاتی که تنها بین خود آنها جریان دارد، تندی بسیار دارند که البته راه به جایی نمی‌برد.

- سازمان‌ها و مجامع پزشکی به دلیل یکه‌تازی گفتمان دولتی در کشور، همواره از زاویه دید مسئولان به وقایع می‌نگرند و دانما در حال نشان‌دادن راه‌حل به آنها هستند و با بزرگواری! خود را هم بخشی از مسئولان

واکنش

بی‌احترامی به ارزش‌ها و نمادهای فرهنگی بلوچ، چرا؟!

محمد بلوچ زهی: در روزهای گذشته فعالان عرصه فرهنگی و کاربران شبکه‌های اجتماعی در سیستان‌بلوچستان از نمایش خانگی سریال «ساخت ایران ۳» به کارگردانی بهمن گوردزی که از لباس زنان بلوچ استفاده ابزاری کرده و تلاش برای احیای نمادسازی معکوس و توهین‌آمیز در سینما و تلویزیون، انتقادهای گسترده‌ای داشته‌اند.

این سریال برای شبکه خانگی ساخته شده و به سفارش یک پلتفرم معروف انتشار فیلم و سریال در اقدامی تازه و خارج از عرف و به دور از فرهنگ و به صورت ناشیانه و غیرحرفه‌ای از لباس زنان بلوچ برای ترازیت و قاچاق مواد مخدر به کشور ترکیه استفاده کرده است.

قبل از هر چیز باید توجه داشت که لباس زنان بلوچ که یک اثر هنری منحصربه‌فرد است و آمیزه‌ای از هنر بی‌ظنیر و ظریف سوزن‌دوزی بلوچی و جلوه‌ای از نقوش ذهنی و تجسم خیال و اندیشه و هویت و فرهنگ بلوچان است ضمن اینکه در فهرست «میراث ماندگار معنوی و فرهنگی» کشور به ثبت رسیده، مهر اصالت را نیز از سازمان جهانی یونسکو دریافت کرده است. مهم‌تر از آن نزد مردم بلوچ لباس بلوچی دارای حرمت و جایگاه و ارزش‌گذاری والایی است، تا جایی که مردم بخشی از هویت فرهنگی خویش را بدیون لباس می‌دانند و حتی در فرهنگ عامه مردم بلوچستان بی‌احترامی به لباس زنان بلوچ یک ضد ارزش است و آن را تعرض و توهین به آحاد بلوچان می‌دانند.

در بین مردم بلوچ لباس زنانه بلوچی یک ارزش تلقی می‌شود، تا جایی‌که لباس‌های کهنه و پلاستفاده آنها هرگز دور ریخته نمی‌شود، به این گمان که زیر پا لگدمال خواهد شد و همین امر حرمت آن را محدودش خواهد کرد و به طور معمول البسه مندرس زنانه در مکانی مشخص از سوی خود زنان سوزانده می‌شود. این نخستین بار نیست که دست‌اندرکاران سینما و برنامه‌سازان و تهیه‌کنندگان تلویزیون بدون کمترین تحقیق و پژوهشی از سر ناآگاهی و عدم شناخت اقدام به تولید فیلم می‌کنند و ارزش‌ها و باورهای فرهنگی هم‌وطنان خویش را به سخره می‌گیرند و زیر پا می‌گذارند و موجبات بدبینی و کدورت و بی‌اعتمادی ملی را فراهم می‌کنند.

البته قصه پرغصه بدبینی مردم سیستان‌وبلوچستان از صنعت سینما و تلویزیون سر درازی دارد و موضوع بیشتر برمی‌گردد به لباس‌های دوره ۶۰ و ۷۰. درست آن زمان که پوشش مردان بلوچ بر تن قاچاقچیان مواد مخدر در فیلم‌ها و سریال‌ها قرار گرفت و این لباس نماد شرارت و قاچاقچی معرفی شد و این‌گونه شد که ذهنیت‌ها نسبت به لباس بلوچی مردانه یکباره تغییر پیدا کرد و با تکرار و تداوم این رویه ضدفرهنگی سریال‌سازی و تولید فیلم‌های کلیشه‌ای در سینما و تلویزیون و تغییر نگاه‌ها و سوءذهنیت‌های حاصله از این رویکرد ناصواب دیگر مردان بلوچ در خارج از استان و اقصانقاط کشور خود جرئت پوشیدن لباس محلی را نداشتند.

هنوز که هنوز است مردم این استان چوب نمادسازی‌های کذب‌ای و تحریف آشکار نشانه‌های فرهنگی و هویتی خود را در دست سینما و تلویزیون می‌خورد و متأسفانه تأثیرات سوء این نمادسازی معکوس و فرهنگ‌سوزی نابخردانه و به دور از نگاه فرهنگی و عقلایت به لباس مردم بلوچ به اینجای ختم نمی‌شود و تا جایی پیش رفت که به انزوای فرهنگی و سرخورگی ایشان ختم شد و نیز از آن پس هرگز پتانسیل‌ها و نمادهای بارز بلوچان و سیستانی‌ها که بسیاری سرآمد بودند و شاخص و درخور‌توجه، در کشور هرگز مجال دیده‌شدن نیافتند.

حال در یک دهه گذشته با گسترش شبکه‌های اجتماعی و افزایش شمار کاربران بومی یک عزم درخور‌توجه برای زدودن این سوءذهنیت‌ها و رفع نگاه‌های کلیشه‌ای به بلوچستان و فرهنگ بلوچان و نیز معرفی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های منحصربه‌فرد مردم بلوچ از سوی فعالان فرهنگی و اجتماعی بومی شکل گرفت که نتیجه آن اکنون شد رونق صنعت گردشگری و مد و لباس زنان بلوچ، بهبود اقتصاد محلی و اشتغال زنان سرپرست خانوار و نیازمند.

امید که خود دست‌اندرکاران سینما و فرهنگ و نهادهای متولی تا دیر نشده چشم بر روی بی‌احترامی و به تاراج بردن ارزش‌های فرهنگی، تاریخی و قومی مردم بکشایند، قبل از اینکه چنین رویکرد فرهنگ‌سوزی اعتماد ملی را مخدوش کند و خسارات مادی و معنوی را بر مردم مظلوم سیستان‌وبلوچستان بیشتر تحمیل کند.